

# بررسی کاربرد نمونه‌هایی از واژه‌های اصیل گویش لُری در شهر یاسوج بر حسب متغیرهای سن و جنسیت

آرزو امیدواری\*

## چکیده

این تحقیق در راستای توجه به فرهنگ و ادب محلی در شهر یاسوج و با هدف بررسی چگونگی کاربرد و استفاده از واژگان اصیل و قدیمی زبان لُری به منظور حفظ منابع ادبی و گفتمانی انجام شده است. میزان کاربرد واژگان قدیمی و اصیل لُری در منطقه بویراحمد و در شهر یاسوج بر اساس دو متغیر سن و جنسیت نشان داد که هرچه سن افراد کمتر شود، کاربرد واژگان مذکور در گفتار آنان کمتر می‌شود و به غیر از گروه زنان بیش از پنجاه سال، در ارتباط با جنسیت نیز، این گویشوران زن هستند که برای کسب اعتبار اجتماعی بالاتر، گفتار خود را به زبان فارسی معیار نزدیک‌تر کرده و از این رو کاربرد واژگان قدیمی را در گفتار خود محدود نموده‌اند.

واژگان کلیدی: واژگان اصیل لُری، جنسیت، سن.

---

\* مربی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج (omidvaria@gmail.com)

## ۱. مقدمه

گوش‌ها و زبان‌های محلی بخش مهمی از ادبیات هر منطقه را شکل می‌دهند. به‌طور کلی، کاربرد زبان، به حدی پویا و فراگیر است که لاجرم تمامی ابعاد و ارکان ارتباطی، آیینی، ادبی و فرهنگی یک جامعه را دربرمی‌گیرد. گوش‌ها و زبان‌های محلی، منبع بسیار غنی برای پژوهش‌های زبانی، ادبی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخی هستند.

زمردیان (۱۳۷۹: ۱۳) معتقد است: «در ایران گوش‌ها و لهجه‌ها و توصیف علمی آن‌ها می‌تواند خیلی از مشکلات فقه‌اللغوی و دستوری زبان فارسی را حل کند و واژگان آن‌ها در ساختن واژه‌های نو مورد استفاده قرار گیرد. همچنین با استفاده از دستور و واژگان آن‌ها می‌توان بسیاری از نکات مبهمی را که در متون کهنه فارسی دری وجود دارد روشن نمود، زیرا این گوش‌ها در حقیقت ادامه، یا هم‌خانواده زبانی است که در متون کهنه فارسی به کار رفته است». با وجود کارهای فراوانی که درباره لهجه‌ها و گوش‌های زبان‌های ایران صورت گرفته، اما به دو دلیل هنوز در این زمینه جای پژوهش‌های بسیاری خالی است. اول اینکه، تعداد گونه‌های یک زبان یا گوش به حدی زیاد است و در مناطق مختلف پراکنده شده که مطمئناً به تمامی این گوش‌ها و ابعاد مختلف آن‌ها نپرداخته‌اند و دوم اینکه بیشتر کارهای انجام‌شده در مناطق مختلف (مانند فرهنگ لغات یا اصطلاحات و...) اساس و مبنایی علمی نداشته و تنها برای حفظ و صیانت از فرهنگ و زبان صورت گرفته که البته به‌خودی‌خود دارای ارزش است. لازم به یادآوری است که با گسترش آموزش همگانی و رسانه‌های گروهی و در نتیجه باسواد شدن و آگاه‌شدن مردم روستا و شهرک‌ها، زبان رسمی، جایگزین گوش‌ها و زبان‌های محلی و گوش‌ها از بین می‌رود. (زمردیان ۱۳۷۹:۱۳)

پژوهش حاضر در راستای گردآوری و توصیف بخشی از واژگان اصیل زبان لری به بررسی ارتباط میان متغیرهای اجتماعی (سن و جنسیت) و متغیر زبانی (واژگان) در جامعه شهری یاسوج می‌پردازد.

## ۲. پیشینه تحقیق

واژگان هر زبان را می‌توان بازگوکنندهٔ ادب و فرهنگ قومی و محلی هر منطقه دانست. در معتبرترین دانشگاه‌های دنیا مانند M.I.T به بررسی زبان‌ها و گویش‌ها، در جایگاه محور رشته‌های ادبیات، قوم‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و... می‌پردازند. برخلاف طرح‌های پژوهش اندکی که در ایران در راستای گردآوری گویش‌ها و زبان‌ها انجام شده، مطالعات کلانی در جهان علم در این زمینه صورت گرفته که منابع خارجی غنی را دربرمی‌گیرد.

اکثر مطالعات گویشی در قدیم بر گویش‌های روستایی تمرکز داشت و از این جهت که گویش‌های شهری را به علت تأثیرات مهاجرین فاقد واژگان غنی می‌دانستند، از پرداختن به آن‌ها صرف نظر می‌شد. زمانی که تأکید بر واژه‌شناسی در بررسی‌های علمی و ادبی تغییر یافت تمایل به مطالعات گویش‌های شهری و اجتماعی افزون گردید. از آن پس بررسی‌های بسیاری در گویش‌های شهری صورت گرفت اما بیشتر آن‌ها بر گویش‌شناختی استوار بود؛ به طوری که، ابعاد اجتماعی آن و کاربرد آن در زمینه‌های علمی دیگر نادیده گرفته می‌شد.

ویلهلم هومبولت<sup>۱</sup> (۱۷۶۷-۱۸۳۵) بیان کرد که زبان «چیز» نیست بلکه «فعالیت» است. نیروی سازنده و فعال ذهنی و خرد است. بنابراین برای آنکه فرهنگ قومی را دریابیم باید نخست معلوم کنیم که قدرت زندگی بخش کلمات چگونه به ساختمان دنیای پیرامون آن‌ها شکل داده‌است (باطنی، ۱۳۷۴: ۶۶-۶۵).

<sup>۱</sup>- W. Hombolt

در سال‌های ۱۸۹۵-۱۸۹۳ نیز جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم<sup>۱</sup> زبان را امری اجتماعی معرفی کرد و به آن جنبه «نهادی» داد و حالات حاکم بر نهادهای اجتماعی را دربارهٔ زبان نیز صادق دانست (همان، ۷۰).

یسپرسن<sup>۲</sup> از نخستین کسانی است که به مطالعه در زمینهٔ همبستگی زبان و جنسیت پرداخته است. وی با اشاره به وجود نبایدهای زبانی در برخی از جوامع غیرپیشرفته (نظیر بانتوی آفریقا) بیان می‌کند که زنان در چنین جوامعی در بسیاری موارد اجازهٔ به‌زبان‌آوردن برخی از واژه‌ها یا حتی برخی از اصوات را ندارند؛ مثل زبان زولو که در آن زن هیچ‌گاه حق ندارد نام پدر شوهرش را به زبان آورد؛ چرا که در این صورت، ممکن است کشته شود (یسپرسن ۱۹۲۲: ۲۵۴-۲۳۷).

ولف رام<sup>۳</sup> (۱۹۶۹: ۱۹۳) با در نظر گرفتن متغیر اجتماعی سن در جامعهٔ سیاه‌پوستان در دیترویت اظهار می‌دارد که کاربرد صورت‌های زشت و ناپسند در دوران جوانی به اوج خود می‌رسد به عبارت دیگر، تظاهر ویژگی‌های غیر معتبر در گفتار گروه‌های سنی پایین‌تر به مراتب بیشتر از گروه‌های سنی بالاتر است.

لباوی<sup>۴</sup> نیز از مهمترین افرادی است که همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شیوه‌ای علمی بیان کرده است. زمینهٔ اصلی تحقیقات او نیز گوناگونی زبانی و توجیه آن‌ها بر پایهٔ متغیرهای اجتماعی است. او در خلال سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۰ به بررسی ارتباط متغیر طبقهٔ اجتماعی جنسیت با زبان پرداخت. تحقیقات او حاکی از این است که زنان در هر طبقهٔ اجتماعی که باشند در مقایسه با مردان هم‌طبقه‌شان بیشتر از گونه‌های معیار استفاده می‌کنند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۹۳).

---

<sup>۱</sup>- E. Dorkim

<sup>۲</sup>- Jespersen

<sup>۳</sup>- Wolfram

<sup>۴</sup>- Labove

ترادگیل<sup>۱</sup> از جمله کسانی است که در زمینه گوناگونی‌های زبانی و عوامل مختلف اجتماعی تحقیق وسیعی در شهر نوروچ انجام داده‌است. او در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که زنان حتی بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی نسبت به مردان رفتار زبانی معتبرتری دارند (ترادگیل، ۱۹۷۲: ۱۸۳).

هادسن<sup>۲</sup> (۱۹۸۰: ۱۶) از افرادی است که در مطالعات خود متغیر سن را بررسی می‌کند. او معتقد به پدیده‌ای زبانی با عنوان درجه‌بندی سنی است. وی بر این باور است که برخی از صورت‌ها خاص کودکان یک نسل است و ممکن است بزرگسالان حتی یک‌بار هم آن‌ها را به کار نگیرند.

چشایر<sup>۳</sup> (۱۹۹۰: ۹) نیز مطرح می‌کند که در محیط‌های رسمی نظیر مدرسه، دختران و پسران هر دو مراقب نوع سخن‌گفتن خود هستند، اما پسران به علت فشارهای بیشتر از سوی گروه‌های هم‌سال خود کمتر به استفاده از صورت‌های زبانی معیار روی می‌آورند. باطنی (۱۳۷۴: ۹) در مطالعات خود، دخالت عامل سن و نقش آن را در ایجاد تنوعات زبانی چنین مطرح می‌کند که فارسی نیز مانند زبان‌های دیگر دارای گونه‌های معتبری است که از جهات مختلف می‌توان آن را طبقه‌بندی کرد. وی بر این باور است که این تفاوت‌ها در گروه‌های سنی قابل بررسی است.

مدرسی (۱۳۶۸: ۱۹۹) رابطه عامل تحصیلات را با کاربرد گونه‌های محاوره‌ای فارسی، در میان فارسی‌زبانان تهرانی بررسی کرده و معتقد است در یک جامعه زبانی هر قدر میزان تحصیلات افراد بالاتر رود، بخش غنی‌تر و وسیع‌تری از گنجینه زبانی در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت، چرا که گویشوران دارای مدارج تحصیلی بالاتر علاوه بر گونه‌های محاوره‌ای به گونه سبکی رسمی‌تر نیز تسلط خواهند داشت.

---

<sup>۱</sup> - Trudgill

<sup>۲</sup> - Hudson

<sup>۳</sup> - Cheshire

در زمینه گویش گری به‌طوراخص، ارانسکی<sup>۱</sup> زبان‌های ایرانی غربی را به دو گروه شمال غربی و جنوب غربی تقسیم می‌کند. در این تقسیم‌بندی زبان لکی را جزو گروه شمال غربی و زبان گری را در زمره گروه جنوبی در نظر می‌گیرد (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۳۳۱-۳۳۰).

پرفسور تکستون<sup>۲</sup> استاد زبان فارسی در دانشگاه هاروارد در خصوص شباهت‌های بسیار زبان فارسی و زبان گری، معتقد است که زبان گری در گذشته نه چندان دور، حدود هزار سال پیش یا کمتر، از فارسی منشعب شده است (بهاروند، ۱۳۷۰: ۵۳).

در زمینه پژوهش در زبان گری، بیشتر به توصیف ساختمان دستوری گویش‌ها پرداخته شده و از لحاظ زبانشناختی تنها به نحو یا ساختار جملات گویش توجه شده و در حیطه واژگان و میزان کاربرد آن‌ها کاری درخور انجام نشده است.

در کشورمان ایران به موازات زبان فارسی گویش‌های بسیاری وجود دارند که کمتر زبان‌شناسان درباره آن‌ها مطالعه و تحقیقات کرده‌اند. بسیاری از عوامل غیر زبانی از جمله نداشتن پشتوانه علمی، ادبی، خط و حتی نداشتن گویشوران زیاد و به ویژه تحصیل کرده و... را می‌توان دلیلی برای این ادعا تصور نمود. هرچند هنوز بسیاری از آن‌ها برای محققان گمنام و ناشناخته باقی مانده‌اند. یکی از گویش‌هایی که زبان‌شناسان کمتر درباره آن مطالعه کرده‌اند، گویش گری بویراحمدی، لهجه یاسوجی است که نگارنده امید دارد، انجام این پژوهش، راهگشای مطالعات تازه در این باره باشد.

### ۳.۱. روش تحقیق

طبق نظر زمردیان (۱۳۷۹) برای بررسی و توصیف گویش و لهجه، ابتدا باید پیکره‌زبانی گردآوری شود. در این تحقیق جوانان دانشجو، واژگان گری اصیل و قدیمی را بر مبنای

---

<sup>۱</sup>- Eransky

<sup>۲</sup>- Taxton

مصاحبه با گروه‌های مختلف سنی و نیز پنجاه و شش فهرست واژگان قدیمی گردآوری کردند.

این واژگان را در فرهنگ‌های لغات و اصطلاحات موجود بازیابی کرده و بر مبنای آن‌ها، پیکره‌زبانی برای گفتگو با مقاطع سنی مختلف و نیز زنان و مردان تهیه کرده‌ایم. این پیکره بیشتر موضوعاتی را دربردارد که ممکن است در زبان از آن‌ها بحث و گفتگو شود؛ یعنی مجموعه‌ی واژه‌هایی را که از آن‌ها برای بیان مفاهیم گوناگون استفاده می‌شود.

به‌طورکلی، طبق نظر متخصصان باید پانزده گروه از کلمات در یک پرسشنامه خوب برای جمع‌آوری واژگان هر زبان وجود داشته باشد که عبارت است از: واژه‌های مربوط به خویشاوندی، بخش‌های متفاوت کالبدشناسی انسان و حیوان، ساخته‌های دستی مانند ظروف، ماشین‌آلات و اسباب‌خانه، اجزای جغرافیائی و نجومی، مجموعه‌های گیاهی و حیوانی، امراض و داروها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، موضوعات و شخصیت‌های مذهبی، غذاها، واحدهای اندازه‌گیری، واژه‌های مربوط به آداب و معاشرت، واژه‌های تحریم شده (تابو)، نظام‌های شمارشی، واژه‌های طبقه‌بندی مثل، دسته، گله، تکه و...، موارد کانی (آهن و مس و...) و اعداد اصلی و ترتیبی.

در جدول زیر برخی از واژگان از گروه‌های فوق همراه با آوانویسی آن‌ها قید شده تا نشان دهد تأکید در این پژوهش بر مبنای چه واژگانی بوده‌است. این لیست واژگانی را از پیکره‌های نمونه و داده‌های آن استخراج کرده‌ایم.

الف) نمونه‌ی واژگانی که بیشتر جوان‌ها نمی‌دانند و به‌کار نمی‌برند، اما میان‌سالان می‌دانند و تنها در شرایط خاص به‌کار می‌برند، همچنین بیشتر افراد مسن هنوز هم آن‌ها را در گفتارشان به‌کار می‌برند:

معادل فارسی	آوانگاری	واژه‌ی لری
باد، باران و طوفان شدید	Ƣeyzærun	غیزرون
ناهار(به ویژه درقشلاق و بیلاق)	Ĉās	چاس
بزی که هنوزمادرنشده(درشرایط دامپروری)	Tīštær	تیشتر
صبر	væxšæ	وخشه
دیوارسنگ چین	kærre	کره
مخزن گلی که درقدیم ساخته می‌شد و برای انبارکردن گندم و برنج و... به‌کار می‌رفت .	tāpu	تاپو
شاخه هیزم برافروخته یا آتش گرفته	Ĵemæt	جمت
ساق پا ( بین پشت پا و زانو)	bīnī	بینی
پشت،کمر(برای انسان و حیوان)	māzæ	مازه
جهیزیه	pæšā	پشا
هق هق، بغض	seydæ	سغد
حیاطی که دورش سنگ‌چین شده و در آن احشام نگهداری می‌شد.	qāš	قاش
بندی برای بستن بره و بزغاله	trī	تری
فروریخت، پراکنده شد، حرکت کرد	šexes	شخس
خسیس	læčær	لچر

ب ( نمونه واژگانی که بیشتر جوان‌ها می‌دانند ولی درگفتار به‌کار نمی‌برند، میان‌سالان کمتر استفاده می‌کنند ولی درگفتار افراد مسن شایع می‌باشد:



بررسی کاربرد نمونه هایی از واژه های اصیل گویش لری ... ۹

واژه‌ی لری	آوانگاری	معادل فارسی
ارسی	? ersī	کفش
کلو	kəlo	ملخ
فیر	fīr	دماغ، بینی (بسیار قدیمی) - اکنون برای طنز و کنایه -
نفت	noft	بینی (قدیمی)
اشکفت	? eškæft	غار
کلیچ	kəlīč	انگشت
برد	bærd	سنگ
بردلیدون	bærdælīdun	زمین سنگ زار
برازه	bərāzæ	شعله آتش
باهنده	bāhendæ	پرنده
ملول	mælul	استکان

ج ( نمونه واژگانی که هنوز استفاده از آن در تمام سنین رایج است؛ اما جوانان به کاربرد معادل فارسی آن نیز گرایش دارند:

معادل فارسی	آوانگاری	واژه ی لری
دهان	kæp	کپ
بزرگ	gæpu	گپو
هیزم	hīmæ	هیمه
اشک	xærs	خرس
سنگ کوچک	kəčok	کچک
سنگ بزرگ	kōtor	کھتر
چشم	tīyæ	تیه
انگشت	pænʃæ	پنجه
گنجشک	bengešt	بنگشت
گلو	bot	بت

### ۳.۲. تحلیل داده‌ها

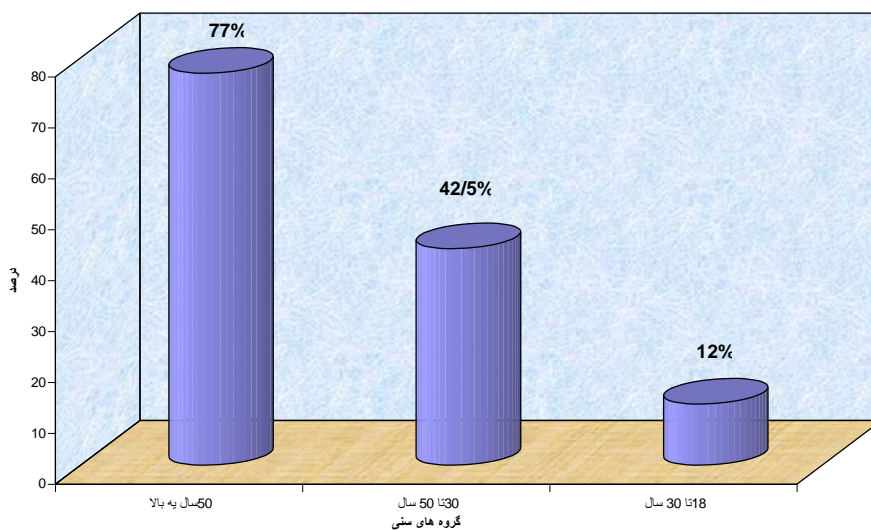
#### ۱.۲.۳. تحلیل داده‌ها بر اساس متغیر اجتماعی سن

سن، یکی از عوامل اجتماعی است که در پیدایش تنوعات زبانی یک جامعه نقش عمده‌ای دارد. به عقیده مدرس (۱۳۶۸: ۱۹۷) اگرچه سن در اساس جنبه‌ای زیست‌شناختی دارد؛ اما در هر صورت یک عامل اجتماعی نیز محسوب می‌گردد. به‌طورکلی اعضای هر جامعه زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی از جمله آن‌هاست.

در جامعهٔ زبانی شهر یاسوج نیز سن، نقش مهمی در تغییر میزان کاربرد واژگان اصیل لری بازی می‌کند. تحلیل انجام‌شده نشان می‌دهد که میزان کاربرد واژه‌ها در گروه‌های سنی پائین‌تر کاهش می‌یابد. بدیهی است گروه‌های سنی جوان‌تر، به دلیل باسواد شدن و نیز ارتباط‌های اجتماعی بیشتر به ویژه تعامل بیشتر در روابط اجتماعی با افراد فارس‌زبان، ناگزیر به استفادهٔ مکرر از واژگان فارسی معیار شده و کم‌کم کاربرد واژگان اصیل خود را به فراموشی می‌سپارند.

همان‌طور که نمودار زیر نشان می‌دهد گروه ۱۸ تا ۳۰ سال، تعداد بسیار کمی از واژگان قدیمی لری را در ارتباطات کلامی خود به کار می‌برند. در حالی که در گروه ۳۰ تا ۵۰ سال این میزان بیش از سه برابر و در گروه بیش از ۵۰ سال، بیشتر واژگان به کار رفته، واژگان گویش اصیل لری است.

نمودار شماره ۱ درصد کاربرد واژگان لری یاسوجی در سه گروه سنی



بر این اساس، علت باقی‌ماندن برخی واژه‌ها در گروه‌های سنی پائین‌تر را می‌توان این‌گونه توجیه نمود که اولاً در این زبان واژه‌هایی هست که معادلی برای آن در زبان فارسی معیار وجود ندارد و افراد برای گفتن آن‌ها به زبان فارسی مجبور به بیان عبارت یا

جمله می‌شوند. در این صورت برای حفظ اصل اقتصاد زبانی افراد ترجیح می‌دهند کلمه گری را بکار برند. هرچند گاهی واژه‌های زبان آن‌قدر قدیمی هستند و برای موقعیت‌های خاص به کار می‌روند که اصلاً جوانان با آن موقعیت یا شیء سروکار ندارند تا این واژه را بکار ببرند، مانند: تاپو (tāpu) به معنای مخزن گلی که در قدیم ساخته می‌شد و برای انبارکردن گندم و برنج و... به کار می‌رفت و یا تیشتر (tīštær): بزی که هنوز مادر نشده.

ب) گروه دیگری از واژگان گری که جوانان هم آن‌ها را به کار می‌برند، یا کلمات جدیدتر این زبان هستند یا شکل تغییر یافته‌ای از آن یا عمدتاً نزدیک به زبان فارسی معیار نزدیک. برای مثال، واژگانی همچون دیزی (dīzī) به معنای دیگ بزرگ، هونه (hunæ) به معنای خانه، پیل (pīl) به معنای پول و از این قبیل واژگانی هستند که به فارسی نزدیک‌اند. تعداد این واژگان و عبارات در زبان گری بسیار زیاد است؛ چرا که این زبان یکی از لهجه‌های زبان فارسی قدیم (باستان و میانه) محسوب شده و بر همین مبنا تعداد زیادی واژه‌های فارسی اصیل در آن وجود دارد. نتیجه این تحقیق حاکی از آن است که در صورت وجود تفاوت‌های جزئی در صورت واژه گری نسبت به فارسی معیار گویشوران گروه‌های سنی پایین‌تر حساسیتی به کاربرد آن نشان نمی‌دهند.

به‌طورکلی سه گروه سنی بررسی شده، عملکردهای متفاوتی در مورد واژگان قدیمی نشان می‌دهند:

۱. گروه ۵۰ سال به بالا، به میزان ۹۹٪ واژگان قدیمی و اصیل را می‌دانند و در بیش از ۷۷٪ موارد وقتی با هم‌زبان خود صحبت می‌کنند (چه کوچک یا بزرگ) این واژگان را به‌کار می‌برند. این امر در افرادی که سواد ندارند، بیشتر مشهود است؛

۲. گروه ۳۰ تا ۵۰ سال، به میزان ۹۰٪ واژگان قدیمی و اصیل را می‌دانند مگر اینکه آن واژه مربوط به کار یا شیئی در گذشته بسیار دور باشد یا مخصوص ایل، طایفه یا مراسم خاصی باشد که آن را ندیده باشند. این گروه با اینکه واژگان را می‌دانند اما تنها زمانی به میزان ۴۲/۵٪ آن‌ها را به‌کار می‌برند که با افراد سالخورده یا آشنایان و دوستان هم‌سن‌وسال

خود صحبت کنند. این گروه در ارتباط با جوانان معمولاً از واژگان جدید یا حتی معادل فارسی آن‌ها استفاده می‌کنند؛

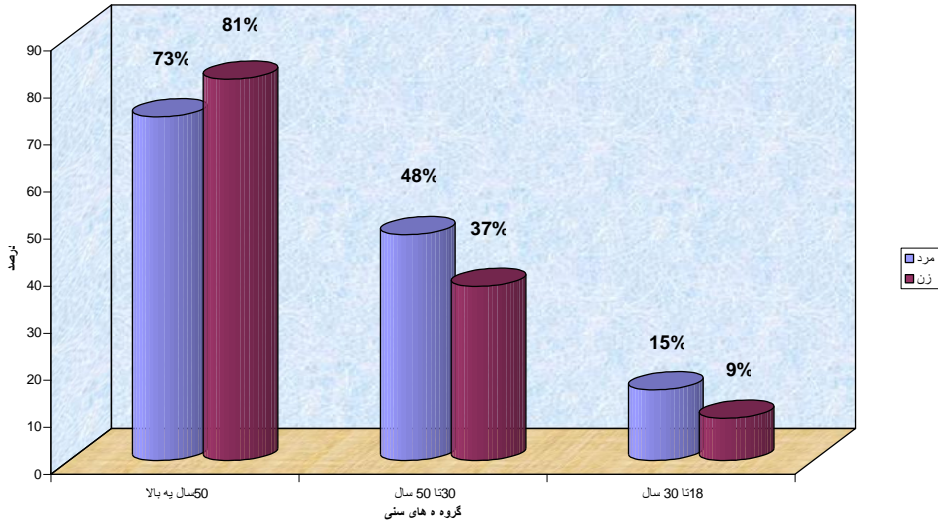
۳. در گروه ۱۸ تا ۳۰ سال، جوانان حدود ۵۰٪ از واژگان لری قدیمی را می‌دانند و متوجه می‌شوند اما تنها حدود ۱۲٪ این واژگان را به کار می‌برند. در این گروه افرادی که کمتر با افراد مسن و یا ساکن در روستاها تعامل و ارتباط داشته‌اند، به طور کلی معنی برخی واژگان قدیمی را نمی‌دانند یا حتی آن‌ها را نشنیده‌اند. بیشتر جوانان در این سن، کلمات زبان فارسی را جایگزین کلمات لری کرده‌اند و این امر به مراتب در نوجوانان بیشتر مشهود است.

### ۳.۲.۲. تحلیل داده بر اساس متغیر اجتماعی جنسیت

بر مبنای تحقیقات انجام‌شده در دنیا، این متغیر (جنسیت) تنوعات زبانی بسیاری را موجب می‌گردد. هرچند که تراذگیل (۱۹۸۳: ۱۰۳) معتقد است زنان و مردان در بیشتر جوامع با یکدیگر در ارتباط‌اند و ظاهراً موانع معدودی بر تراکم ارتباطات میان این دو جنس اثر می‌گذارد.

در جامعه زبانی نمونه، جنسیت در میزان کاربرد واژگان اصیل و قدیمی لری در سنین بیش از ۵۰ سال نقش چندانی ایفاء نمی‌کند. به این معنی که زنان و مردان سالخورده از کلمات اصیل که در طول سالیان با زندگی آن‌ها آمیخته شده و نیز همیشه با آن‌ها سروکار داشته‌اند، در تمامی موقعیت‌ها استفاده می‌کنند. فقط درباره زنان، به دلیل ارتباط‌های کمتر اجتماعی و روزمره با افراد غیربومی یا رفت‌وآمدهای محدودتر، میزان کاربرد این واژه‌ها نسبت به مردان ۸٪ بیشتر بوده است (نمودار شماره ۲).

نمودار شماره ۲، رابطه ی بین سن و جنسیت در کاربرد واژگان قدیمی لری در شهر یاسوج



در این نمودار افراد در گروه سنی ۵۰ سال به بالا اگر مرد باشند تا ۷۳٪ و اگر زن باشند تا ۸۱٪ واژگان اصیل و قدیمی را در گفتار روزمره و حالت‌های بی‌نشان به‌کار برده‌اند. درباره دو گروه دیگر (۳۰ تا ۵۰ سال) و (۱۸ تا ۳۰) این نسبت کاملاً برعکس می‌شود. بر اساس تحقیقات وسیعی که درباره زبان و گفتار زنان و مردان در دنیا انجام پذیرفته، زنان در جامعه بیشتر به دنبال اعتبار اجتماعی هستند و یکی از روش‌های اعتباریافتن، گرایش به لهجه و زبان معیار است. به همین دلیل، در گروه دوم (۳۰ تا ۵۰ سال) ۴۸٪ مردان و ۳۷٪ زنان از واژگان اصیل زبان لری در گفتارشان استفاده می‌کنند. بدیهی است بیشتر این واژگان نیز در تعامل با افراد هم‌سن و سال یا بزرگترهای خانواده یا فامیل بیان می‌گردد و در ارتباط با جوانان میزان کاربرد این واژگان بسیار اندک است چون یا برخی از این نام‌ها و واژگان را افراد جوان درک نمی‌کنند یا اگر هم جوانان متوجه شوند در پاسخ از این کلمات استفاده نمی‌کنند.

در گروه سوّم (۱۸ تا ۳۰ سال) ۱۵٪ مردان و تنها ۹٪ زنان و دختران، این کلمات قدیمی را در گفتارشان به‌کارمی‌برند. این امر به این معنی است که تا چند سال دیگر که نسل‌ها متحول شوند، دیگر کسانی وجود نخواهند داشت که این کلمات را به‌کاربرند، تنها عده معدودی آن‌ها را می‌دانند و در نتیجه به‌کارنبردن، چه بسا این واژگان به بوته فراموشی سپرده شوند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در جامعه شهری یاسوج که بیشتر شهروندانش از شهرها و روستاهای اطراف آمده‌اند، همانند بیشتر مناطق ایران و جهان، گرایش زبانی مردم روزبه‌روز بیشتر به سمت زبان رسمی و معیار کشور پیش می‌رود. این امر درباره‌ی واژگان و نیز ساختارهای قدیمی و اصیل زبانی مشهودتر است. در این تحقیق مشخص گردید که میزان کاربرد واژگان اصیل گویش لری در جامعه شهری یاسوج، در گروه‌های سنی جوان‌تر بسیار کمتر است. برخی از این جوانان حتی معنای این کلمات را نمی‌دانند و اگر هم بدانند، در تعاملات و روابط اجتماعی سعی دارند کمتر این واژگان را به‌کاربرند. درباره‌ی قیاس میان زنان و مردان، مشخص گردید که غیر از زنان گروه سنی بالای ۵۰ سال که عمدتاً سواد خواندن و نوشتن ندارند زنان دیگر جامعه تاحدامکان، با کاربرد کمتر واژگان قدیمی در گفتارشان، در پی کسب اعتبار اجتماعی هستند؛ بنابراین میزان کاربرد واژگان لری اصیل و قدیمی در زنان ۱۸ تا ۳۰ سال به کمترین حد خود می‌رسد. و برعکس در گویشوران زن ۵۰ سال به بالا، بیشترین میزان کاربرد این‌گونه واژگان وجود دارد.

### کتابنامه

۱. ارانسکی، ای.ام (۱۳۵۸). *فقه اللغة ایرانی، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.*
  ۲. امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۰). *قوم لر، تهران: آگاه.*
  ۳. باطنی، محمدرضا (۱۳۷۴). *مسائل زبان‌شناسی نوین، تهران: آگاه.*
  ۴. ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.*
  ۵. زمردیان، رضا (۱۳۷۹). *راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها، مشهد: دانشگاه فردوسی.*
  ۶. مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.*
  ۷. مهدی‌پور، مرجان (۱۳۷۸). *بررسی قدرت در گفتار زنان و مردان فارسی زبان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.*
- 8- Cheshire. J. 1987. *"Age and Generation, Specific use of language"*. London: Edward Arnold.
  - 9- Hudson. R. 1980. *"Sociolinguistics"*. London: Cambridge University press.
  - 10- Jespersen. O.1922. *"Language: It's nature, development and origin"*. London: George Allen and Uhin.
  - 11- Labov. W. 1972. *"Sociolinguistics patterns"*. Philadelphia: University of Pennsylvania press.
  - 12- Trudgill. P.1972. *"Sex, covert prestige and linguistic change in the urban British of Norwich"*. Cambridge University press.
  - 13- Wardhaugh. R.1992. *"An introduction to Sociolinguistics"*. Oxford: Blackwell.
  - 14- Wolfram. W.1969. *"A Sociolinguistics is description of Detroit negro speech"*. Washington D.C: Center for applied linguistics.